

نقدی بر اصطلاحنامه فیزیک

● فاطمه (بهار)، رها دوست

غریبی و مدیر گروه پژوهشی «اصطلاحنامه جامع»، خانم دکتر بهشتی کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست. تخصص موضوعی دکتر غریبی شیمی و تخصص موضوعی دکتر بهشتی زبان‌شناسی است که از قضا رشته‌های بسیار مهم، بنیادی و تعیین‌کننده در اصطلاحنامه‌سازی هستند. شاید به دلیل نهادی شدن کار در این مرکز، ردپای سبک و سیاق فردی را در این اصطلاحنامه نمی‌بینیم و این ویژگی مثبتی است. زیرا گاه ممکن است اصطلاحنامه‌سازانی که حوزه تخصصی‌شان اطلاع‌رسانی نیست، به دلیل دسترسی نداشتن به جمع متخصصان اطلاع‌رسانی، به فردی متخصص روی آورند و بی‌آنکه خود متوجه شوند، حاصل کارشان بازتاب‌دهنده دیدگاه تخصصی آن فرد متخصص شود؛

ع به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان اصطلاحنامه‌های پژوهشگاه و از جمله اصطلاحنامه فیزیک، رویکرد نقدپذیری دارند، و این ویژگی یقیناً در پیشبرد روند کارشان مؤثر بوده است. در سال ۱۳۷۶ که در مقدمه نخستین ویراست اصطلاحنامه پزشکی فارسی درباره ویراست نخست اصطلاحنامه نمائاتی را یادآور شدیم، و پس از پژوهش خانم کازرانی در ۱۳۷۸، خانم بهشتی بدون کمترین سوءتعبیر و تحمل‌ناپذیری - که متأسفانه در میان برخی از بزرگان ما در حوزه اطلاع‌رسانی بسیار رایج است - نه تنها از نقد نرنجیدند، از آن برای اصلاح نما بهره گرفتند که تفاوت تحسین برانگیز آخرین ویراست و ویراست به ویراست اول، مؤید آن است.

نگارنده این سطور در ادامه اصطلاحنامه فیزیک را از سه جنبه روابط معنایی، ساختار شکلی، و نحوه ارائه بررسی کرده و در هر بخش مصداق‌هایی می‌آورد.

الف) روابط معنایی: با نگاهی به مدخل‌های «علوم طبیعی»، «علوم انسانی» و «علوم اجتماعی» درمی‌یابیم که درخت این اصطلاحنامه اشکال بنیادی دارد. معلوم نیست که چرا علوم همانند مدیریت، رایانه، جغرافیا، باستان‌شناسی، اقیانوس‌شناسی، و اقتصاد زیرشاخه هیچ علمی قرار نگرفته‌اند. درحالی‌که می‌دانیم مدیریت، از زیرشاخه‌های علوم اجتماعی و رایانه از زیرشاخه‌های علوم مهندسی یا علوم و فنون است و جغرافیا نیز قطعاً از نظر وسعت، هم‌تراز علوم اجتماعی و علوم طبیعی نیست که همانند آنها در مرتبه سرشاخه قرار گیرد. این یک اشکال منطقی است که هر غیرمتخصصی هم به آن پی می‌برد.

اشکال دیگر آن است که «علم اطلاع‌رسانی» و «علوم انسانی»، ذیل «کاربرد رایانه» آمده‌اند که نه تنها از نظر علمی غلط است، بلکه از نظر منطقی نیز پذیرفتنی نیست که مثلاً علوم انسانی که خود شامل چند حوزه گسترده همچون ادبیات، تاریخ، زبان‌شناسی، موسیقی و هنر



■ اصطلاحنامه فیزیک. مریم نوروزی اقبالی و دیگران، تهران: پژوهشگاه و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۵. شابک: x-۲۹-۷۵۱۹-۹۶۴

در سال ۱۳۷۸ که خانم مریم کازرانی درباره ارزیابی اصطلاحنامه‌های فارسی با استانداردهای «ایزو ۲۷۸۸» پژوهش می‌کردند و نگارنده این سطور مشاور ایشان بود، با مشکل کمبود اصطلاحنامه‌ها در شاخه‌های علوم پایه روبه‌رو بودیم و اکنون که هشت سال از آن زمان می‌گذرد، شاهدیم که فقط در یک سازمان همانند پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، اصطلاحنامه‌هایی در چند شاخه موضوعی (علوم و فنون، ارتقای بهداشت، علوم زمین، فیزیک، شیمی و جامعه‌شناسی) تهیه شده که مایه امیدواری است.

پس از این مقدمه، اشاره به چند نکته را لازم می‌دانم:

۱. تهیه این اصطلاحنامه‌ها، نویددهنده پیشرفت روند اصطلاحنامه‌سازی در ایران است؛
۲. این اصطلاحنامه‌ها هدفمند، روشمند و با برنامه‌ریزی تهیه شده‌اند؛
۳. نهادی که این اصطلاحنامه‌ها را منتشر کرده، با اجرای چنین پروژه‌هایی نه تنها بی‌ارتباط نیست، بلکه ارتباط مستقیم دارد؛
۴. تلاش شده از نظر و کار متخصصان بهره‌گیری شود و کارها سوگیرانه انجام نشود؛
۵. با اینکه تخصص دانشگاهی رئیس پژوهشگاه، آقای دکتر

با نگاهی به مدخل‌های «علوم طبیعی»، «علوم انسانی» و «علوم اجتماعی» درمی‌یابیم که درخت این اصطلاحنامه اشکال بنیادی دارد

اصطلاحنامه فیزیک، ملزومات اصلی یک اصطلاحنامه، یعنی نمایه الفبایی، درختی، گردشی، و انگلیسی به فارسی را دارد

۹. آیا نسخه الکترونیکی این اصطلاحنامه تهیه شده و در دسترس است؟ آیا امکان دسترسی به نسخه الکترونیکی در آینده وجود دارد؟
۱۰. آیا نرم‌افزار قاموس توان ارائه نمایه‌های کامل‌تر از نمایه‌های اصطلاحنامه فیزیک را دارد؟

۱۱. و از همه مهم‌تر اینکه چه رابطه‌ای بین اصطلاحنامه فیزیک و ذخیره و بازیابی اطلاعات در کتابخانه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران وجود دارد؟

البته نگارنده از راه‌هایی، جز مراجعه به مقدمه این اصطلاحنامه، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها را یافته، اما همین مراجعه به منبعی جز مقدمه، وجهی پارادوکسیکال به اصطلاحنامه می‌بخشد، بدین معنا که اصطلاحنامه که باید خود راهنما باشد، نیاز به کلید و ابزار دیگری برای راهنما بودن دارد و این نقض غرض است.

گذشته از همه این نکات، صمیمانه پیشنهادهایی طرح می‌شود و امید می‌رود که مدیران، ناظران، تهیه‌کنندگان و به‌ویژه مجری طرح ملی اصطلاحنامه جامع که تاکنون رویکرد مثبتی نسبت به نقدها و پیشنهادها داشته‌اند و نگارنده شخصاً این فروتنی و نقدپذیری را تحسین می‌کند، به آنها توجه کنند.

پیشنهاد نخست:

تلاش برای درون‌زاد کردن فرآیند اصطلاحنامه‌سازی

برای اینکه بتوانیم اصطلاحنامه‌هایی اصیل و درون‌زاد را بر پایه پشتوانه‌های انتشاراتی خودمان و بر اساس نیازهای مشخص و شناخته‌شده ذخیره و بازیابی بومی و ملی‌مان تهیه کنیم، باید موارد زیر رعایت و به آن عمل شود:

۱. چنانچه از اصطلاحنامه‌های خارجی بهره می‌گیریم، نخست آنها را دقیقاً شناسایی و نقد کرده، آنگاه از آنها استفاده کنیم. همه می‌دانیم که MeSH بیش از هر اصطلاحنامه‌ای در جهان کاربرد دارد و حاصل تجارب علمی ارزنده‌ی یکی از پیشروترین کتابخانه‌های تخصصی جهان، یعنی کتابخانه ملی پزشکی امریکاست. اما ساختار درختی همین اصطلاحنامه معتبر و مهم در برخی از شاخه‌ها مشکلات بنیادی دارد که قابل چشم‌پوشی نیست و نگارنده این سطور در هر دو ویراست اصطلاحنامه پزشکی فارسی کوشیده این اشکالات را رفع کند. توصیه می‌شود پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران هم که تاکنون اشکالات بنیادی روابط معنایی SPINES و INSPEC را تجربه کرده، دانش و تعقل متخصصان ایرانی را برای شناسایی نقاط ضعف اصطلاحنامه‌های خارجی دست کم نگیرد و پس از شناسایی دقیق و عمیق و نقد و اصلاح این اصطلاحنامه‌ها، از آنها بهره گیرد.

است، همگی زیرشاخه علم رایانه، آن هم نه خود آن علم، بلکه کاربرد آن علم قرار گیرند! از سوی دیگر اگر از نظر تهیه‌کنندگان این ساختار درختی (INSPEC) علم رایانه و کاربرد آن، به اندازه‌ای مهم است که سرشاخه همه علوم انسانی، با آن همه وسعت و عمق، قرار گرفته است، معلوم نیست چرا این «رایانه‌زدگی» علوم دیگری مثل علوم اجتماعی و طبیعی و رفتاری را که از قضا بیش از علوم انسانی از علم رایانه بهره می‌برند، دربرنگرفته است؟! چنانکه اصطلاحات «کاربرد رایانه در علوم اجتماعی»، «کاربرد رایانه در علوم طبیعی» و «کاربرد رایانه در علوم رفتاری» به‌درستی ذیل علوم اجتماعی و علوم طبیعی و علوم رفتاری، و وابسته به آنها آمده است.

ب) ساختار شکلی: اصطلاحنامه فیزیک، ملزومات اصلی یک اصطلاحنامه، یعنی نمایه الفبایی، درختی، گردشی، و انگلیسی به فارسی را دارد، جز اینکه اصطلاحات رأس می‌توانست با تغییر فونت در برخی از نمایه‌ها مشخص شود. اشکال دیگر اینکه مینیاتوری از ساختار درختی ارائه نمی‌کند. البته حتی اگر خلاصه‌ای از درخت تهیه می‌شد، این درخت با توجه به اشکالات بنیادی پیش گفته، به‌هیچ‌وجه دارای حداقل انسجام یک حوزه دانش نیست. تصور کنید درختی را که کاربرد علم رایانه یکی از شاخه‌های تنومند آن و حوزه‌های تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی، هنر

و موسیقی شاخه‌های ریزتر آن باشند! و شاید تهیه‌کنندگان INSPEC به همین دلیل از ارائه خلاصه درخت خودداری کرده‌اند.

ج) نحوه ارائه: نحوه ارائه اصطلاحنامه فیزیک به‌گونه‌ای بود که بسیاری از پرسش‌های نگارنده این سطور را در مقام یک خواننده بی‌پاسخ گذاشت. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. تهیه و در واقع ترجمه اصطلاحنامه فیزیک چقدر زمان برده است؟
۲. مخاطبان اصلی این اصطلاحنامه فارسی چه کسانی‌اند؟
۳. INSPEC مخفف چیست؟ چه تاریخچه‌ای دارد و چه کسانی در کجا و با چه اهدافی آن را مدیریت می‌کنند؟
۴. کدام ویرایش آن (در چه سالی) مبنای ترجمه قرار گرفته است؟
۵. معیارهای گزینش اصطلاحات در INSPEC چه بوده است؟
۶. در مواردی که بین ترجمه واژه‌ها در مرکز نشر دانشگاهی و فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اختلاف نظر وجود داشته، چه ضوابطی معیار یا راهنمای تصمیم‌گیری مترجمان بوده است؟
۷. آیا اصطلاحات بخش فیزیک موجود در منبع اصلی عیناً ترجمه شده یا برحسب مورد، کاهش‌ها و افزایش‌هایی صورت گرفته است؟
۸. تعداد اصطلاحات گزیده و ناگزیده و تعداد شناسه‌ها در اصطلاحنامه فیزیک چقدر است؟

در نظام‌های تعاملی جدید که وجهی کاربرمدار و کاربرپسند دارند، ضبط پشتوانه کاربران مستلزم تمهیدات نرم‌افزاری پیچیده‌تری است

هم‌اکنون مباحث نظری جدیدی چون تبدیل اصطلاحنامه‌های سنتی به اونتولوژی‌ها و یکپارچه‌سازی اصطلاحنامه‌های چندگانه مطرح شده و جا دارد همه اصطلاحنامه‌سازان ایرانی در همه حوزه‌ها، به‌ویژه نهادهایی نظیر مرکز اطلاعات و مدارک علمی (که صاحب گروهی پژوهشی برای تهیه اصطلاحنامه جامع هستند، و طبعاً در مقایسه با آنان که به‌صورت فردی و به‌عنوان مجری طرح به این کار می‌پردازند، امکانات و اختیارات بیشتری دارند)، ضرورت مطالعه عمیق و دقیق مبانی نظری جدید را احساس کنند و برای همگامی با تحولات جدید آماده شوند. اما نکته اصلی این است که بدون درون‌زاد کردن اصطلاحنامه‌سازی، پیاده کردن اندیشه‌های نو ممکن نیست و روزآمد ساختن خودمان و اصطلاحنامه‌هایمان مستلزم آن است که در عین جهانی‌اندیشیدن، بومی عمل کنیم. یعنی به‌دور از ترجمه‌گرایی و اتکای صرف به اصطلاحنامه‌های خارجی، در پی آن باشیم که با آگاهی و شناخت و دانش کافی از آنچه در غرب می‌گذرد، اصطلاحنامه‌هایی تهیه کنیم که زنده باشند نه مدلی از موجودات زنده، و فرآیند باشند نه فرآورده.

فراموش نکنیم که علوم وجهی فرامیزی دارند، و علمی مثل فیزیک نیز همچون علم پزشکی و علوم دیگر، به سرزمین و ملت خاصی تعلق ندارد، اما عالمان هر علم، در بافت و زمینه تاریخی-اجتماعی و فرهنگی خود به آن علم می‌پردازند، و رسالت اصلی اصطلاحنامه‌ها بیش از خدمت به علم، به‌منزله هویتی انتزاعی، خدمت به عالمان حوزه‌های گوناگون برای خدمت به انسان‌هاست. وقتی که ما اصطلاحنامه فیزیک را به فارسی، یعنی زبان ملی‌مان تهیه می‌کنیم، بدین معناست که نخستین هدف ما دانشجویان، آموزش‌دهندگان و پژوهشگران ایرانی در رشته فیزیک و علوم وابسته است و اگر غیر از این بود، اصولاً نیازی به ترجمه اصطلاحات نبود. بنابراین، باید اصطلاحنامه‌هایی تهیه کنیم که رد پای فرهنگ علمی عالمان و علم‌پژوهان ایرانی ما در آنها آشکار و محسوس باشد تا بتوانیم به تاریخ درخشان علم خودمان متصل شویم و با خودیابی و اعتماد به نفس، از پیشرفت‌های جدید و مباحث نظری و فلسفی اصطلاحنامه‌سازی بهره ببریم. بیشتر متخصصان و دانشمندان ما از ارزش و اهمیت و نقش اصطلاحنامه در غنی کردن زبان علم بی‌خبرند، و ما فقط در صورت غنی‌سازی زبان علم خودمان، با تدوین و نه ترجمه اصطلاحنامه‌ها می‌توانیم غبار غربت را از اصطلاحنامه‌هایمان بزداییم، با جامعه علمی پویای خودمان که مخاطبان اصلی ما هستند، ارتباط برقرار کنیم، و درخت دانش را در این مرز و بوم بارور سازیم.

۲. هیچ اصطلاحنامه‌ای بدون پشتوانه انتشاراتی تهیه نمی‌شود و اگر توضیح پشتوانه انتشاراتی INSPEC در مقدمه اصطلاحنامه فیزیک نیامده، بدین معنا نیست که پشتوانه انتشاراتی نداشته است. اگرچه از آنجا که اصطلاحنامه فیزیک ترجمه بخشی از INSPEC است، ما در آن اثری از پشتوانه انتشاراتی بومی و ملی فیزیک در ایران را نمی‌یابیم. البته از واژگان مرکز نشر، که آن هم مشخص نیست چه تعداد بوده، برای ترجمه اصطلاحات استفاده شده، اما تهیه اصطلاحنامه بدون توجه به پشتوانه انتشاراتی واقعی، همچون دوختن لباس بر اندامی است که اندازه‌های آن معلوم نیست. بنابراین مبنای قراردادن پشتوانه انتشاراتی فیزیک در ایران به زبان فارسی، از ضروری‌ترین اقدامات است که جا دارد گروه پژوهشی اصطلاحنامه جامع در ویراست‌های آینده از آن غفلت نرزد.

۳. اصطلاح پشتوانه کاربران با اصطلاح پشتوانه انتشاراتی به‌کار می‌رود و وجه دیگر آن است، چون آنگاه که دانشجویان، آموزش‌دهندگان و پژوهشگران فیزیک برای درج و نشر یافته‌های آموزشی و پژوهشی‌شان اصطلاحات فیزیک را در کتاب‌ها، مجلات و پایان‌نامه‌ها به‌کار می‌برند، در ایجاد پشتوانه انتشاراتی، که بازتاب دانش آنان است، نقش ایفا می‌کنند، و زمانی که برای جست‌وجوی اطلاعات (پیش از مرحله تبدیل اطلاعات به دانش)، به منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی مراجعه می‌کنند، اصطلاحاتی به‌کار می‌برند که چنانچه ضبط شوند، می‌توان از آنها به‌منزله پشتوانه کاربران بهره برد. البته در نظام‌های تعاملی جدید که وجهی کاربرمدار و کاربرپسند دارند، ضبط پشتوانه کاربران مستلزم تمهیدات نرم‌افزاری پیچیده‌تری است، اما در هر حال، ضبط این پشتوانه‌های کاربران، حفظ گنجینه‌ای است که نادیده گرفتن آنها به بهای از دست دادن بازخورد و اصلاح نظام‌ها تمام می‌شود.

نگارنده این سطور با مطالعه مقدمه اصطلاحنامه فیزیک، از اینکه پیشینه پرسش‌های کاربران مرکز اطلاعات و مدارک علمی اصولاً ضبط می‌شود یا نه اطلاعی به‌دست نیآورد، اما همین قدر می‌داند که مرکز با سابقه و معتبری که نام پژوهشگاه بر خود نهاده، و بیش از هر مرکز دیگری در ایران اصطلاحنامه منتشر کرده، قاعدتاً باید بتواند و می‌تواند برای ضبط این ذخیره‌های ارزشمند اطلاعاتی یعنی پشتوانه کاربران، فکری بکند، ضمن اینکه اولاً با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی نو این کار آسان‌تر هم شده است، و ثانیاً تا آنجا که بنده تحقیق کرده و به شواهد خود در کتاب مباحث نظری در کتابداری و اطلاع‌رسانی اشاره کرده‌ام، در ایران زبان علم فیزیک به‌همت متخصصان کل‌نگری چون دکتر رضا منصوری و همفکرانشان، بسیار سامان یافته‌تر از زبان علم پزشکی است که حقیقتاً به بیمار علیلی می‌ماند و با اصالت دیرینه‌اش در زمان خلق آثاری چون ذخیره خوارزمشاهی و قانون ابن‌سینا بسیار بیگانه شده است.

پیشنهاد دوم: روزآمد شدن در مبانی نظری جدید اصطلاحنامه‌سازی در عین توجه به زبان علم بومی

بر پایه پژوهش‌های انجام شده در ایران، اصطلاحنامه‌های ایرانی، طبق مبانی نظری پیش از وب جهان‌گستر تهیه شده‌اند، درحالی که